خاستگاه ایران‌شناسی در روسیه (از قرن نوزدهم تا آغاز قرن بیستم)

نویسنده: الکسی خیسماتولین*
مترجم: حمید قلی‌پور

چکیده

این مقاله به بررسی خاستگاه ایران‌شناسی در مراکز اصلی شرق‌شناسی روسیه، واقع در شهرهای کازان، سن‌پترزبورگ و مسکو، از قرن نوزدهم تا آغاز قرن بیستم می‌پردازد. در این پژوهش، وضعیت سیاسی بین‌المللی و تحولات عمده اجتماعی‌ای بررسی می‌شوند که در فضای نخبگانی روسیه، نیاز به متخصصان دانشگاهی و کاربردی در حوزه سراسر جهان اسلام را پدید آورد. مقاله حاضر همچنین چگونگی شکل‌گیری اولیه حوزه‌های مختلف ایران‌شناسی مدرن را تشریح می‌کند؛ حوزه‌هایی که با تلاش پژوهشگران آلمانیِ دعوت‌شده به این مراکز، بنیان نهاده شدند و سنت‌های علمی، دستاوردها و آثار شاخص آن‌ها به‌تدریج تکوین یافت. سپس همکاران روس این پژوهشگران، این حوزه‌ها را گسترش دادند و به توسعه آن‌ها پرداختند.

مقدمه

ایران‌شناسی در روسیه و دیگر نقاط جهان، حوزه‌ای دانشگاهی و نسبتاً نو ظهور به شمار می‌رود. گروه‌های آموزشی مطالعات آسیا و آفریقا در اتحاد جماهیر شوروی تنها از دهه ۱۹۳۰ میلادی آموزش متخصصان حوزه ایران را آغاز کردند. پیش از آن، نظام آموزشی روسیه و سپس شوروی، دانشجویانی را برای فعالیت در طیف گسترده‌تری از حوزه‌های تخصصی تربیت می‌کرد. دانشجویان تحصیلات تکمیلی می‌بایست با سراسر شرق اسلامی آشنایی داشته باشند و به حداکثر چهار زبان اصلی این منطقه، یعنی عربی، فارسی و یک یا دو زبان ترکی، تسلط پیدا کنند. از این‌رو، به‌کارگیری اصطلاح «ایران‌شناسی» و اطلاق عنوان «ایران‌شناسِ محض» به پژوهشگران این دوره، از نظر تاریخی نابهنگام است.

با این‌حال، این مقاله به برخی از پژوهشگران روسی اشاره خواهد کرد که در قرن نوزدهم توجه بیشتری به حوزه قومی-زبانی ایرانی، شامل آسیای مرکزی، ایران، افغانستان و تا حدودی هند،

* پژوهشگر ارشد مؤسسهٔ نسخه‌های خطی شرق آکادمی علوم روسیه

نشان دادند. آثار علمی این پژوهشگران این امکان را فراهم می‌آورد که از وجود گرایشی ایران‌شناختی در مطالعات آنان سخن بگوییم و آن‌ها را بنیان‌گذاران شاخه‌های متعددی از ایران‌شناسی مدرن در روسیه بدانیم.

زمینه تاریخی

در قرن نوزدهم، برخی از کشورهای اروپایی، از جمله روسیه، به‌طور فعال به استعمار سرزمین‌های جهان اسلام پرداختند .برای نمونه، کافی است به جنگ‌های روسیه علیه ایران و ترکیه و نیز الحاق قفقاز و آسیای مرکزی به قلمرو این کشور اشاره کنیم. با این‌حال، سیاست استعماری روسیه تفاوت‌های چشمگیری با سیاست‌های دیگر دولت‌های اروپایی داشت. روسیه که اغلب در تقابل با امپراتوری بریتانیا قرار می‌گرفت، سرزمین‌های مسلمان همسایه خود را بدون گسترش قلمروهای فرادریایی به خاکش ضمیمه می‌کرد. حال آنکه امپراتوری بریتانیا، به‌عنوان بازیگر اصلی سیاسی در رقابت موسوم به «بازی بزرگ» برای کسب برتری در آسیای مرکزی، تحت تأثیر دغدغهٔ ثابت و وسواس‌گونهٔ خود برای حفاظت از هند عمل می‌کرد. این سیاست بلافاصله به سه تحول عمده اجتماعی انجامید.

نخست آنکه، جمعیت مسلمان در امپراتوری روسیه افزایش یافت و اسلام پس از مسیحیت به دومین دین پرپیرو در این کشور تبدیل شد. برای روشن‌شدن موضوع، ذکر یک نمونه کافی است: در فاصله سال‌های ۱۷۸۷ تا ۱۹۲۵، حدود ۱۸۰ چاپ و تجدیدچاپ از قرآن در روسیه منتشر شد که بیشتر آن‌ها شامل ترجمه‌هایی به زبان روسی از متن عربی و نیز از زبان‌های اروپایی بودند[۱].

دوم آنکه، استعمار موجب شد محافل تحصیل‌کرده جامعه روسیه به اسلام به‌طور کلی و به طور مشخص به شعر فارسی علاقه فراوانی نشان دهند. کافی است نام الکساندر پوشکین، پیوتر چادایف، لئو تولستوی و ولادیمیر سولوویف را به یاد آوریم که همگی در آثار خود به اسلام پرداخته‌اند. پوشکین حتی در سال ۱۸۲۴ منظومه‌ای با عنوان «اقتباس‌هایی از قرآن»[۲] سرود.سرانجام، این سیاست به رنسانس دینی و ملی در میان مسلمانان روسیه انجامید؛ جنبشی که چهره‌هایی چون موسی جارالله بیگیف[۳] (۱۸۷۵–۱۹۴۹)، عطاالله بایزیتوف[۴]

---

[۱] Rezvan, Koran, 383–455.

[۲] Imitations of the Koran.

[۳] Musa Yarullah Bigiev

[۴] Ataullah Bayazitov

(۱۸۴۷–۱۹۱۱)، اسماعیل‌بِیگ گاسپرینسکی[۵] (۱۸۵۱–۱۹۱۴) و بسیاری دیگر پیشگامان آن بودند[۶].

در نتیجه، در فضای نخبگانی روسیه تقاضایی برای متخصصان دانشگاهی و کاربردی در حوزه جهان اسلام پدید آمد؛ متخصصانی از جمله پژوهشگران، مترجمان، مترجمان شفاهی، دیپلمات‌ها و مأموران اطلاعاتی.

برای پاسخ‌گویی به این نیاز، مقامات روسیه الگویی کارآمد برای مطالعه کشورهای شرقی به کار گرفتند: مجموعه‌ای از نسخه‌های خطی، مؤسسه‌ای پژوهشی مرتبط با مطالعه و بررسی این مجموعه، و دانشکده‌ای برای مطالعات شرق‌شناسی که نیروی انسانی متخصص در مقطع تحصیلات تکمیلی را در اختیار آن مؤسسه قرار می‌داد. این الگو نخست در کازان، سن‌پترزبورگ و مسکو به اجرا درآمد. بعدها مقامات شوروی همین الگو را در پایتخت‌های آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی نیز به کار بستند. تا به امروز تقریباً هر یک از این پایتخت‌ها، مؤسسه شرق‌شناسی مختص به خود را دارد.

کازان

تا اواسط قرن نوزدهم، دو مرکز اصلی مطالعات شرق‌شناسی در شهر کازان فعالیت می‌کردند: نخست، گروه زبان‌های شرقی در دانشگاه امپراتوری کازان و دوم، گروه مطالعات ضداسلامی در آکادمی الهیات کازان که در سال ۱۸۴۲ تأسیس شد و در سال ۱۹۲۰ به فعالیت خود پایان داد. دانشگاه کازان به‌واسطه فعالیت گروهی از پژوهشگران جوان روس که بعدها به سن‌پترزبورگ و مسکو مهاجرت کردند، و نیز به دلیل برخورداری از مجموعه‌ای غنی از نسخه‌های خطی فارسی، عربی و ترکی (که بعدها به سن‌پترزبورگ منتقل شد)، جایگاه مهمی در تاریخ ایران‌شناسی روسیه پیدا کرد.

در میان این گروه از پژوهشگران جوان، بیش از همه باید از میرزا محمدعلی‌حاجی بن قاسم‌اوغلی (با نام روسی :الکساندر قاسمویچ) کاظم‌بِیگ (۱۸۰۲–۱۸۷۰) یاد کرد که اصالتاً ایرانی بود. او در سال ۱۸۴۵ متن عربی کتاب «مختصر الوقایه فی مسائل الهدایه» را منتشر کرد؛ کتابی که به تألیف عبیدالله بن مسعود (متوفی در سال ۱۳۴۶) در قرن چهاردهم[۷] نوشته

---

[۵] Ismail Bey Gasprinski

[۶] Prozorov, Islam na territorii byvshei Rossiiskoi imperii, 67–70, 63–5, 110–11.

[۷] در متن اصلی، قرن سیزدهم ذکر شده است. بااین‌حال، عبیدالله بن مسعود در سال ۱۳۴۶ میلادی درگذشته و از این‌رو، انتساب اثر به قرن سیزدهم میلادی محل تردید است [مترجم].

شده بود. ده سال بعد، شاه ایران به پاس تألیف نمایهٔ واژگان قرآن، نشان امپراتوری شیر و خورشید را به کاظم‌بیگ اعطا کرد. تدوین این نمایه که با حمایت مالی کلیسای ارتدوکس روسیه انجام گرفت، بیست‌وپنج سال به طول انجامید.

ایلیا نیکولایویچ برزین[۸] (۱۸۱۸–۱۸۹۶) نیز سهم ارزشمندی در توسعه ایران‌شناسی در روسیه داشت[۹]. او که عمدتاً به‌عنوان متخصص مطالعات ترکی شناخته می‌شد، مجموعه‌ای کتاب با عنوان «کتابخانه مورخان شرق»[۱۰] را بنیان گذاشت. دو جلد نخست این مجموعه شامل ترجمه او از فصل‌های منتخب کتاب‌های «شیبانی‌نامه» و «تاریخ رشیدی» بود و متن اصلی جغتایی این آثار را نیز در بر می‌گرفت. جلد سوم به ترجمه گوردی سمیونوویچ سابلوکوف[۱۱] (۱۸۰۳–۱۸۸۰) از کتاب شجره ترک ابوالغازی اختصاص داشت. سابلوکوف استاد آکادمی الهیات کازان و مترجم نامدار قرآن بود.

برزین در دوران اقامت خود در کازان، همچنین نخستین دستور زبان فارسی را به زبان روسی تدوین کرد و اثر دوجلدی خود با عنوان «پژوهش‌هایی درباره گویش‌های مسلمانان»[۱۲] را منتشر ساخت. این اثر شامل دو بخش بود: جلد نخست با عنوان «نظام گویش‌های ترکی»[۱۳] در سال ۱۸۴۸ و جلد دوم با عنوان «پژوهش‌هایی درباره گویش‌های فارسی»[۱۴] در سال ۱۸۵۳ منتشر شد.

استپانوس نظاریانتس[۱۵] (۱۸۱۴–۱۸۷۹) نیز از دیگر اعضای گروه کازان بود. او که از سال ۱۸۴۲ تا ۱۸۴۹ در کازان فعالیت می‌کرد، پژوهش دکتری خود را به میراث ادبی شاعران نامدار فارسی، یعنی رودکی، دقیقی، فردوسی و سعدی، اختصاص داد. نخستین اثر منتشرشده او

---

[۸] Ilya N. Berezin

[۹] Encyclopaedia Iranica online, s.v. “Berezin.” at: http://www.iranicaonline.org

[۱۰] Biblioteka vostochnykh istorikov

[۱۱] Gordii S. Sablukov

[۱۲] Recherches sur les dialectes musulmans

[۱۳] Système des dialectes turcs

[۱۴] *Recherches sur les dialectes persans*

[۱۵] Stepanos Nazaryants

پژوهشی دوجلدی درباره شاهنامه فردوسی بود که با تاریخچه‌ای مختصر از شعر فارسی تا قرن پانزدهم میلادی آغاز می‌شد. او همچنین کتابی درباره گلستان سعدی منتشر کرد[۱۶].

نظاریانتس بعدها به مسکو رفت تا در مؤسسه زبان‌های شرقی لازارف به‌عنوان مدرس زبان فارسی مشغول به کار شود؛ درحالی‌که کاظم‌بیگ و برزین هر دو راهی سن‌پترزبورگ شدند. دانشگاه کازان نقطه آغاز فعالیت علمی پژوهشگر دیگری نیز بود: کریستیان مارتین یوآخیم فون فرِن[۱۷] (با نام روسی :کریستیان دانیلوویچ فرِن، ۱۷۸۲–۱۸۵۱) که از آلمان برای تدریس زبان‌های عربی و فارسی به کازان دعوت شده بود. او به دلیل تسلط اندک بر زبان روسی، به مدت ده سال به زبان لاتین تدریس کرد. فرِن در سال ۱۸۱۷ به سن‌پترزبورگ رفت تا ریاست نخستین موزه آسیایی را بر عهده بگیرد؛ موزه‌ای که یک سال بعد افتتاح شد[۱۸].

سال ۱۸۵۴ نقطه عطفی در تاریخ شرق‌شناسی روسیه بود. در این سال، گروه زبان‌های شرقی دانشگاه کازان به موجب فرمان امپراتوری تعطیل شد و مجموعه نسخه‌های خطی اسلامی آن، به همراه شماری از استادان و بهترین دانشجویان، به دانشکده تازه تأسیس زبان‌های شرقی دانشگاه سن‌پترزبورگ (که بعدها دانشکده شرق‌شناسی نام گرفت) انتقال یافت. این دانشکده یک سال بعد فعالیت خود را آغاز کرد و میرزا کاظم‌بیگ به ریاست آن منصوب شد.

سن‌پترزبورگ

بدین‌ترتیب، در قرن نوزدهم دو مرکز اصلی مطالعات شرق‌شناسی در پایتخت امپراتوری روسیه شکل گرفت. نخست، موزه آسیایی (تأسیس در سال ۱۸۱۸) که مجموعه‌ای عظیم از نسخه‌های خطی اسلامی، سکه‌ها و دیگر آثار تاریخی را در خود جای داده بود؛ و دوم، دانشکده زبان‌های شرقی دانشگاه سن‌پترزبورگ که در سال ۱۸۵۴، تمامی سنت آموزشی و علمی شرق‌شناسی دانشگاه کازان را به همراه برجسته‌ترین استادان، دانشجویان و مجموعه نسخه‌های خطی آن به ارث برد. بخشی از مجموعه نسخه‌های خطی اسلامی در کتابخانه عمومی امپراتوری (که امروزه کتابخانه ملی روسیه نام دارد) نیز نگهداری می‌شد؛ کتابخانه‌ای که در سال ۱۸۱۴ تأسیس شده بود. همچنین، مؤسسه زبان‌های شرقی در اداره آسیایی وزارت

---

[۱۶] Kulikova, Rossiiskoe vostokovedenie, 130–6; Nazaryants, Abul-Qasem Ferdawsi; Nazaryants, Rozovyi kustarnik

[۱۷] Christian Martin Joachim v. Fraehn

[۱۸] Ziethen, “Christian Martin Joachim v. Fraehn”, 57–70.

امور خارجه از دیگر مراکز نگهداری و مطالعه این آثار به شمار می‌رفت. این مراکز در توسعه مطالعات شرق‌شناسی در روسیه پیشگام بودند.

نکته مهم آن است که پژوهش‌های علمی در موزه آسیایی، که مهم‌ترین این مراکز به شمار می‌رفت، عمدتاً به مدد تلاش‌های پژوهشگران آلمانی توسعه یافت که به امپراتوری روسیه، عمدتاً به سن‌پترزبورگ، دعوت شده بودند. این واقعیتی است که معمولاً در تاریخ‌نگاری شرق‌شناسی روسیه، چه در داخل این کشور و چه در خارج از آن، نادیده گرفته می‌شود.

این رویکرد که در روسیه تزاری غلبه داشت، نه‌تنها امکان بهره‌مندی از پیوندها و سنت‌های علمیِ از پیش شکل‌گرفته در اروپای غربی را فراهم می‌کرد، بلکه امکان برقراری زبانی مشترک با پژوهشگران اروپایی را نیز، هم به معنای واقعی و هم به معنای استعاری آن، شکل می‌داد. در نتیجه، پژوهشگران روس به‌طور طبیعی در فعالیت‌های جامعه علمی اروپا مشارکت داشتند؛ از جمله در انتشار نشریات ادواری، نقد و بررسی آثار، تبادل اندیشه‌ها و دستاوردهای علمی. این وضعیت در دوره شوروی تغییر کرد؛ زمانی که زبان روسی به زبان مشترک علمی تمامی پژوهشگران اتحاد جماهیر شوروی، از جمله جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز، تبدیل شد.

به لطف حضور و فعالیت پژوهشگران آلمانی در موزه آسیایی، برخی از شاخه‌های ایران‌شناسی در مراحل اولیه شکل‌گیری خود توسعه یافتند؛ از جمله نسخه‌شناسی، انتشار فهرست‌های نسخه‌های خطی و متن‌پژوهی.

نسخه‌شناسی و انتشار فهرست نسخه‌های خطی

این حوزه همواره از اهمیت بنیادین برخوردار بوده است؛ زیرا برای مطالعه هر موضوعی، ابتدا باید منابع موجود درباره آن را شناخت. به همین منظور، کریستیان فرِن[۱۹]، پژوهشگر آلمانی، به ریاست موزه آسیایی و عضویت آکادمی امپراتوری علوم منصوب شد. او احتمالاً نخستین فرد در جهان بود که فهرستی از سکه‌های اسلامی تدوین کرد. این فهرست بر اساس مجموعه سکه‌های موزه آسیایی تهیه شده بود؛ مجموعه‌ای که در دوره شوروی به موزه دولتی آرمیتاژ انتقال یافت. از این‌رو، هرچند امروزه سکه‌شناسی مربوط به سرزمین‌های شرق شاخه‌ای مستقل از مطالعات شرق‌شناسی به شمار می‌رود، خاستگاه آن پیوندی نزدیک با ایران‌شناسی دارد.

[۱۹] Christian Fraehn

به توصیه فرِن، دانشور آلمانی دیگری به نام یوهانس آلبرشت برنهارد دورن[۲۰] (با نام روسی: بوریس آندریویچ، ۱۸۰۵–۱۸۸۱)[۲۱] به عضویت آکادمی امپراتوری علوم منصوب شد و بعدها ریاست موزه آسیایی را پس از فرِن بر عهده گرفت. دورن در فاصله سال‌های ۱۸۵۵ تا ۱۸۷۷، با همکاری فرِن، نخستین فهرست نسخه‌های خطی عربی، فارسی و ترکی موجود در موزه آسیایی را تدوین کرد؛ کاری که در دوره شوروی به‌وسیله گروهی از ایران‌شناسان ادامه یافت.

دورن همچنین فهرستی از نسخه‌های خطی فارسی موجود در کتابخانه ملی امپراتوری منتشر کرد و سپس به توصیف مجموعه‌ای پرداخت که این کتابخانه از نیکولای واسیلیویچ خانیکوف[۲۲] (۱۸۱۹–۱۸۷۸)، دیپلمات نامدار روس و متخصص امور ایران، خریداری کرده بود. سرانجام، گالینا ایوانونا کاستیگووا[۲۳] (۱۹۲۶–۱۹۹۹) در سال‌های ۱۹۸۸ و ۱۹۸۹ فهرست جامع دوجلدی نسخه‌های خطی فارسی این کتابخانه را منتشر کرد.

بارون ویکتور رومانویچ روزن[۲۴] (۱۸۴۹–۱۹۰۸)، سومین رئیس موزه آسیایی، نیز به مطالعه نسخه‌های خطی اسلامیِ گردآوری‌شده در این موزه و وزارت امور خارجه پرداخت .افزون بر این، او نسل کاملی از پژوهشگران برجسته روس را تربیت کرد .یکی از شاگردان او، کارل گوستاو هرمان زالمان (با نام روسی :کارل گرمانویچ، ۱۸۴۹–۱۹۱۶)[۲۵]، بعدها به عضویت آکادمی امپراتوری علوم درآمد و ششمین رئیس موزه آسیایی شد (۱۸۹۰–۱۹۱۶). او سهمی چشمگیر در توصیف مجموعه نسخه‌های خطی موزه، که پیوسته بر حجم آن افزوده می‌شد، ایفا کرد. زالمان همچنین نخستین فهرست نسخه‌های خطی فارسی دانشگاه سن‌پترزبورگ را در سال ۱۸۸۸ تدوین کرد.

پس از آن، دو فهرست دیگر از نسخه‌های تازه‌اضافه‌شده به این مجموعه نیز منتشر شد : نخست، فهرستی به قلم الکساندر آندریویچ روماسکویچ (۱۸۸۵–۱۹۴۲) در سال ۱۹۲۵ و دیگری به قلم عبدالرحمان تاجیرجانوف (۱۹۰۷–۱۹۸۳) در سال ۱۹۵۷.

---

[۲۰] Johannes Albrecht Bernhard Dorn

[۲۱] Encyclopaedia Iranica online, s.v. “Dorn.”

[۲۲] Nikolai V. Khanykov

[۲۳] Galina I. Kostygova

[۲۴] Baron Victor R. Rosen

[۲۵] Encyclopaedia Iranica online, s.v. “Salemann.”

تاجیرجانوف همچنین توصیفی تفصیلی از بیش از هشتاد متن تاریخی، جغرافیایی و زندگی‌نامه‌ای به زبان فارسی منتشر کرد که در مجموع ۱۶۹ مدخل از این مجموعه را در بر می‌گرفت[۲۶]. متأسفانه، سرنوشت فهرست جامع نسخه‌های خطی فارسی دانشگاه سن‌پترزبورگ همچنان نامشخص است[۲۷].

متن‌پژوهی

متن‌پژوهی درباره آثار متعلق به ژانرهای مختلف ادبی، یکی دیگر از حوزه‌های فعالیت علمی در ایران‌شناسی به شمار می‌رفت. انتشار متن‌های اصیل عربی و فارسی (با ترجمه یا بدون ترجمه)، همراه با مقدمه‌ای مشتمل بر تحلیل‌های عمیق، همواره یکی از اهداف اصلی پژوهشگران موزه آسیایی بوده است.

امروزه گرایشی وجود دارد که ایران‌شناسی را به دو دوره اصلی تقسیم می‌کند: دوره پیشااسلامی و دوره پسااسلامی. این گرایش بازتاب‌دهنده رویکردهایی است که از پیش در قرن نوزدهم نیز به کار گرفته می‌شدند. از آنجا که در بیشتر مجموعه‌های نسخه‌های خطی شرق‌شناختی، نسخه‌های خطی اسلامی سهم غلب را دارند، آثار منتشرشده درباره دوره پسااسلامی نیز واجد سهم بیشتری هستند. با این‌حال، مجموعه مانیکائیکا (Manichaeica) اثر کارل زالمان، که شامل مجموعه‌ای از متون مانوی است، نقش مهمی در توسعه ایران‌شناسی دوره پیشااسلامی ایفا کرد.

در میان پژوهشگران سن‌پترزبورگ، برنهارد دورن، که از بنیان‌گذاران چندین شاخه از ایران‌شناسی مدرن به شمار می‌رود، نخستین کسی بود که رویکرد متن‌پژوهانه را در تصحیح و انتشار منابع مکتوب فارسی به کار گرفت. او در سال ۱۸۵۰ متن اصلی فارسی و ترجمه آلمانی تاریخ مازندران، اثر ظهیرالدین مرعشی، مورخ ایرانی قرن پانزدهم، را منتشر کرد .دو سال بعد، شاه ایران به پاس دستاوردهای علمی او نشان شیر و خورشید را به وی اعطا کرد. دورن همچنین مجموعه‌ای سه‌جلدی درباره تاریخ قفقاز منتشر کرد که شامل بخش‌هایی از چند متن فارسی قرون وسطایی بود. افزون بر آن، او مجموعه‌ای پنج‌جلدی از متون فارسی درباره تاریخ گیلان و مازندران را تصحیح و منتشر کرد.

از نیمه دوم قرن نوزدهم به بعد، پژوهشگران اروپایی شروع به انتشار متون تاریخی و جغرافیایی اسلامی را به خط عربی کردند. این متون که عمدتاً در هلند (به همت de Goeje, Brill) و بریتانیا

---

[۲۶] Tagirdzhanov, Opisanie.

[۲۷] Abdullaeva, “Persian Manuscripts Collection,” 1–23.

(در قالب مجموعه Gibb Memorial) به چاپ می‌رسیدند، نیازهای پژوهشی پژوهشگران روس را تأمین می‌کردند. به نظر می‌رسد این امر یکی از دلایل کاهش فعالیت در این حوزه در روسیه پس از مرگ دورن بوده است. عامل دیگر آن بود که برخی پژوهشگران ترجیح می‌دادند به‌جای صرف وقت برای آماده‌سازی تصحیح‌های انتقادی متون، متونی را مطالعه کنند که هنوز منتشر نشده و تنها در قالب نسخه‌های خطی در دسترس بودند.

ویلهلم بارتولد (با نام روسی: واسیلی ولادیمیرویچ، ۱۸۶۰–۱۹۳۰) از جمله پژوهشگرانی بود که کارآمدی این رویکرد دوم را نشان داد[۲۸]. او فعالیت علمی خود را در پایان قرن نوزدهم آغاز کرد و عموماً برجسته‌ترین متخصص تاریخ و تاریخ‌نگاری خاورمیانه شناخته می‌شود. رویکرد بارتولد هم جنبه مثبت داشت و هم جنبه منفی: او می‌توانست شمار بسیار بیشتری از منابع را در پژوهش‌های خود بررسی کند، اما نقد و ارزیابی آثارش ناممکن بود، زیرا بسیاری از منابعی که مورد استفاده قرار داده بود، در دسترس سایر پژوهشگران قرار نداشتند.

احیای انتشار متون تاریخی اسلامی در اتحاد جماهیر شوروی تنها در اواسط دهه ۱۹۳۰ میلادی صورت گرفت. از آن زمان به بعد، شمار قابل‌توجهی از این متون به زبان روسی ترجمه و یا به زبان فارسیِ اصلی منتشر شده‌اند.

مطالعه شعر فارسی

مطالعه شعر کلاسیک فارسی، در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، محبوب‌ترین گرایش در حوزه ایران‌شناسی بود. بسیاری از شرق‌شناسان روس، از جمله پژوهشگران سن‌پترزبورگ، به شعر فارسی علاقه داشتند. با این‌حال، بیشتر آن‌ها آشنایی خود را با این گنجینه عظیم ادبی به ترجمه منظوم بخش‌هایی از اشعار فردوسی، خیام، رودکی، سعدی، حافظ، جامی و دیگر شاعران محدود می‌کردند.

کارل زالمان از معدود پژوهشگرانی بود که با رویکردی انتقادی به بررسی متون می‌پرداخت. از نظر او، تهیه و انتشار تصحیح‌های انتقادی، مهم‌ترین وظیفه پژوهشگران ادبیات و شعر کلاسیک فارسی بود.

والنتین آندریویچ ژوکوفسکی (۱۸۵۸–۱۹۱۸)، شاگرد زالمان و بعدها استاد و رئیس دانشکده زبان‌های شرقی دانشگاه سن‌پترزبورگ، از رویکرد استاد خود پیروی کرد[۲۹]. ژوکوفسکی با

---

[۲۸] Encyclopaedia Iranica online, s.v. “Barthold.”

[۲۹] Encyclopaedia Iranica online, s.v. “Zhokovskii.”

پژوهش‌های خود درباره عرفان اسلامی، که هم نثر صوفیانه و هم شعر صوفیانه را در بر می‌گرفت، افق‌های تازه‌ای را در ایران‌شناسی روسیه گشود.

ژوکوفسکی زیر نظر زالمان، رساله کارشناسی ارشد خود را درباره اوحدالدین انوری، شاعر فارسی‌زبان قرن دوازدهم، نگاشت. این رساله همچنین شامل تصحیح انتقادی بخشی از دیوان این شاعر بود[۳۰] که بر اساس مقابله و بررسی بیست و دو نسخه متفاوت از متن دیوان انوری تهیه شده بود.

مطالعات اسلامی (شامل تصوف، اسماعیلیه و آیین بهایی)

والنتین آندریویچ ژوکوفسکی از پیشگامان پژوهش دانشگاهی درباره تصوف ایرانی نیز به شمار می‌رفت. درحالی‌که استاد او، کارل زالمان، فعالیت‌های خود را در این حوزه به انتشار چند قطعه از متون اصیل فارسی درباره یکی از پیروان طریقت صوفیانه یسویه[۳۱] محدود کرده بود، ژوکوفسکی متون منظوم و روایی شماری از صوفیان ایرانی قرون وسطی را به‌دقت بررسی کرد.

حوزه علایق پژوهشی او آثاری چون نورالعلوم ابوالحسن خرقانی، مناجات و منازل‌السائرین خواجه عبدالله انصاری، تذکره‌ها و شرح‌حال‌های مربوط به ابوسعید میهنی، کشف‌المحجوب هجویری و مرصادالعباد فخرالدین رازی را در بر می‌گرفت.

این متون مبنای آثار برجسته او درباره سیر تحول تصوف در خراسان بودند که از جمله آن‌ها می‌توان به کتاب «انسان و شناخت» در میان عارفان ایرانی اشاره کرد[۳۲]. نتایج پژوهش‌های او تا به امروز نیز مقبولیت گسترده‌ای دارند. افزون بر آن، ژوکوفسکی چندین متن فارسی را در قالب تصحیح‌های علمی و انتقادی منتشر کرد که از برجسته‌ترین آن‌ها می‌توان به شرح‌حال ابوسعید میهنی و کشف‌المحجوب هجویری اشاره کرد. اثر اخیر پس از درگذشت ژوکوفسکی، به‌همت شاگردش، آ.آ. روماسکویچ[۳۳]، منتشر شد. از اواسط دهه ۱۹۳۰ به بعد، دوره‌ای طولانی از رکود ایدئولوژیک در این شاخه از ایران‌شناسی آغاز شد. در نتیجه این وضعیت، ایران‌شناسان شوروی عمدتاً بر شعر صوفیانه متمرکز شدند و از مطالعه متون دینی صوفیانه پرهیز کردند. در اینجا مناسب است به دیگر حوزه‌های مطالعات اسلامی نیز اشاره کنیم که پژوهشگران روس در آن‌ها پیشگام بودند.

---

[۳۰] Zhokovskii, ‘Ali Auhadeddin Enveri.

[۳۱] Salemann, Legenda.

[۳۲] Zhokovskii, Chelovek i poznanie.

[۳۳] A.A. Romaskevich

ولادیمیر آلکسیویچ ایوانف (۱۸۸۶–۱۹۷۰) نخستین کسی بود که مطالعه نظام‌مند اسماعیلیه را آغاز کرد[۳۴]. او چه در روسیه و چه در سطح جهانی، سهمی چشمگیر در توسعه ایران‌شناسی داشت. با این‌حال، نامش در دوره شوروی تقریباً به فراموشی سپرده شد. ایوانف در جریان سفرهای خود به ایران، آسیای مرکزی و هند، موفق شد ۱۳۶۰ نسخه خطی جدید به مجموعه نسخه‌های خطی اسلامی موزه آسیایی بیفزاید (جهت مقایسه در نظر بگیرید که این مجموعه در حال حاضر حدود ۱۰ هزار نسخه را در بر می‌گیرد).

ایوانف در سال ۱۹۵۳، که در آن زمان پژوهشگری باتجربه به شمار می‌رفت، شماری از مهم‌ترین متون تعالیم اهل حق را با عنوان «حقیقت‌پرستان کردستان: متون اهل حق»[۳۵] منتشر کرد[۳۶]. این اثر ترجمه انگلیسی و خلاصه‌ای از هر یک از متون را در بر می‌گرفت .این متون، در کنار پژوهش‌های پیشگامانه ژوکوفسکی و ولادیمیر فئودوروویچ مینورسکی (شرق‌شناس و دیپلمات برجسته روس، ۱۸۷۷–۱۹۶۶)[۳۷]، زمینه را برای نگارش مقدمه‌ای تحلیلی بر کتاب ایوانف فراهم کردند؛ مقدمه‌ای که او در آن کوشید تمامی اطلاعات موجود درباره تعالیم اهل حق را تا آن زمان گردآوری، تحلیل و نظام‌مند کند[۳۸].

از سال ۱۸۴۴، جنبش دینی جدیدی در ایران پدیدار شد که برخی پژوهشگران آن را فرقه‌ای مذهبی و عرفانی می‌نامیدند. این جنبش در آغاز، به نام بنیان‌گذار خود، سید علی‌محمد باب، «بابیه» خوانده می‌شد و دارای پیامبر، متون مقدس، تقویم و اماکن زیارتی خاص خود بود. نوزده سال بعد، جانشین باب، حسین‌علی نوری، ملقب به بهاءالله، مدعی شد که همان پیامبری است که باب ظهورش را پیشگویی کرده بود. بدین‌ترتیب، بابیه به آیین بهایی تحول یافت؛ آیینی که خود را به‌عنوان دینی جهانی و جدید، متعلق به دوران پس از اسلام، معرفی می‌کرد.

طبیعتاً این رویدادها از نظر پژوهشگران دور نماند. میرزا کاظم‌بیگ از نخستین پژوهشگرانی بود که در سال ۱۸۶۵ درباره بابیه نوشت[۳۹]. بعدها، به‌واسطه تلاش‌های دیپلمات‌های روس، نسخه‌های خطی اصلی بابیه برای بررسی و تحلیل در اختیار ن.آ. خانیکوف، برنهارد دورن و

---

[۳۴] Encyclopaedia Iranica online, s.v. “Ivanow.”

[۳۵] (The Truth-worshippers of Kurdistan. Ahl-i Haqq Texts)

[۳۶] Ivanow, The Truth-worshippers of Kurdistan.

[۳۷] Encyclopaedia Iranica online, s.v. “Minorsky.”

[۳۸] Khismatulin, “Uchenie Ahl-i Haqq,” 45–52.

[۳۹] Kazem-bek, Bab i babidy.

بارون ویکتور روزن قرار گرفت. پژوهش‌های آنان را ژوکوفسکی، بارتولد و الکساندر گئورگیویچ تومانسکی (۱۸۶۱–۱۹۲۰) ادامه دادند[۴۰].

تومانسکی دوره آموزشی افسران وزارت امور خارجه را به پایان رسانده بود و در سال‌های شکل‌گیری جنبش بهایی در ایران فعالیت می‌کرد. وظایف رسمی او در منطقه، در کنار علاقه شخصی‌اش به این جنبش، سبب شد متن اصلی «وصیت‌نامه و عهد بهاءالله» را به زبان روسی ترجمه کند. او این ترجمه را در سال ۱۸۹۳، همراه با ترجمه روزن از شماری از رساله‌های بهاءالله، منتشر کرد.

شش سال بعد، ترجمه تومانسکی از یکی از مهم‌ترین آثار بابی، یعنی کتاب اقدس، همراه با متن اصلی فارسی آن منتشر شد. در ادامه، در سال ۱۹۰۸، تک‌نگاری بارون روزن با عنوان «نخستین مجموعهٔ رسائل بهاءالله، [از پیروان جنبش] بابی» انتشار یافت.

واژه‌شناسی و فیلولوژی

یکی از نخستین تلاش‌های جدی برای گسترش حوزهٔ واژه‌شناسی و فیلولوژی را کارل گوتلیب زالمان انجام داد. زالمان در سال ۱۸۸۷ تصحیح انتقادیِ «معیار جمالی» را منتشر کرد؛ فرهنگ لغتی فارسی متعلق به قرن چهاردهم میلادی که محمد فخری اصفهانی آن را تدوین کرده بود. او برای تکمیل بخش‌های ناقص در تنها نسخهٔ خطیِ در دسترس خود، از آثار متأخرتری بهره گرفت که در آن‌ها به این فرهنگ لغت ارجاع داده شده بود. زالمان در سال ۱۸۹۵ فرهنگ لغت دیگری نیز منتشر کرد: لغت شاهنامه، فرهنگ فارسی-ترکی‌ای که شامل ۱۷۰۰ نمونه واژگانی از شاهنامه فردوسی بود.

به نظر می‌رسد کارل زالمان نخستین پژوهشگر روسی بود که به مدد تجربه‌اش در متن‌پژوهی، به‌درستی دریافت که واژگان فارسی تا چه اندازه می‌توانند برحسب منطقهٔ جغرافیایی، دورهٔ تاریخی و پیشینهٔ فکری و فرهنگی نویسنده، معانی متفاوتی پیدا کنند. از این‌رو، او پیشنهاد کرد واژه‌نامه‌ها و فرهنگ‌های مستقلی برای اندیشه‌ورزان و شاعران برجستهٔ فارسی تدوین شود و سپس این مجموعه‌ها، همراه با ارجاعات مربوط، در قالب یک فرهنگ لغت جامع گردآوری شوند. هرچند بسیاری از ایران‌شناسان در آثار خود به مسائل واژه‌شناختی پرداخته و در یادداشت‌های ترجمه‌هایشان، واژه‌نامه‌ها یا حتی مقالات کوتاهِ موضوعی، تفسیرهای خود را از اصطلاحات فارسی عرضه کرده‌اند، ایدهٔ زالمان همچنان آرمانی دست‌نیافتنی باقی مانده است.

[۴۰] Encyclopaedia Iranica online, s.v. “Tumanskii.”

زالمان همچنین در مطالعهٔ فیلولوژیِ فارسی میانه و سُغدی سهم داشت. این حوزه به‌واسطهٔ شاگردان و پیروان او، ف.آ. روزنبرگ[۴۱] (۱۸۶۷–۱۹۳۴) و آ.آ. فرایمان[۴۲] (۱۸۷۹–۱۹۶۸)، با موفقیت گسترش یافت[۴۳]. فرایمان بنیان‌گذار و رهبر مکتب روسی‌شوروی روش تطبیقی‌تاریخی در زبان‌شناسی ایرانی بود و از نخستین متخصصان زبان‌های خوارزمی و سغدی به‌شمار می‌رفت[۴۴]. مطالعات سُغدی در دههٔ ۱۹۳۰، پس از کشف شمار قابل‌توجهی از اسناد در نزدیکی رودخانهٔ زرافشان، رونق تازه‌ای گرفت.

فرهنگ عامه و پژوهش‌های میدانی

ایران‌شناسان سن‌پترزبورگ، در کنار پژوهش‌های خود دربارهٔ ادبیات و شعر فارسی، برای مطالعهٔ فرهنگ عامه و گویش‌های ایرانی به ایران سفر می‌کردند .آکادمی علوم روسیه تا دههٔ ۱۹۳۰ همچنان هزینهٔ چنین سفرهایی را تأمین می‌کرد. والنتین ژوکوفسکی از نخستین پژوهشگران سن‌پترزبورگی بود که به انجام پژوهش‌های میدانی در ایران پرداخت. علایق علمی او طیف گسترده‌ای از موضوعات ایران‌شناسی را دربرمی‌گرفت. او در جریان سفرهایش در دههٔ ۱۸۸۰، شمار زیادی از منظومه‌های عاشقانهٔ عامیانه، ترانه‌های عروسی، لالایی‌ها، معماها، دیباچه‌های منظوم، قطعات طنزآمیز، واژگان نامتعارف و مطالبی از این دست را ثبت و گردآوری کرد. ژوکوفسکی بخشی از این مطالب را در مقالات خود گنجاند و بعدها کتابی با عنوان «نمونه‌هایی از فرهنگ عامهٔ فارسی»[۴۵] منتشر کرد. این کتاب از سوی انجمن جغرافیایی روسیه به دریافت مدال طلا نائل شد.

شاگردان ژوکوفسکی، ولادیمیر آ. ایوانف، الکساندر آ. روماسکویچ و یوری ن. مار[۴۶] (۱۸۹۳–۱۹۳۵)، فعالیت او را در این حوزه ادامه دادند. در سال ۱۹۱۰، دانشکدهٔ زبان‌های شرقی ایوانف را به ایران فرستاد تا مهارت خود را در زبان فارسی تقویت کند و درباره این کشور آشنایی بیشتری به دست آورد. او در فاصلهٔ سال‌های ۱۹۱۱ تا ۱۹۱۴ در یکی از بانک‌های ایران مشغول به کار بود و از این طریق فرصت یافت به مناطق مختلف کشور سفر کند. در سال

---

[۴۱] F.A. Rosenberg

[۴۲] A.A. Freiman

[۴۳] Encyclopaedia Iranica online, s.v. “Freiman.”

[۴۴] Freiman, Khorezmiiskii yazyk.

[۴۵] Zhokovskii, Obraztsy.

[۴۶] Yuri N. Marr

۱۹۱۵ کارل زالمان، ایوانف را برای خرید نسخه‌های خطی به بخارا فرستاد تا آن‌ها را برای موزهٔ آسیایی تهیه کند. ایوانف پس از این سفرها و پیش از آنکه علایق علمی‌اش به‌سوی اسماعیلیه معطوف شود، کتاب «چند نمونه از شعر عامیانهٔ فارسی» را تدوین و منتشر کرد[۴۷]. این اثر از معدود نوشته‌های او به زبان روسی بود، به ویژه اگر آن را با حدود ۱۵۰ اثر انگلیسی‌زبانش مقایسه کنیم. کتاب «خاطراتی از شرق او که شامل برداشت‌ها و خاطراتش از سفرها و زندگی در خارج از کشور است و سال‌ها در بایگانی شخصی‌اش باقی مانده بود، به تازگی به دو زبان انگلیسی و روسی منتشر شده است[۴۸].

الکساندر روماسکویچ در جریان سفر خود به ایران در سال‌های ۱۹۱۳–۱۹۱۴، مطالب فراوانی دربارهٔ فرهنگ عامه، ادبیات و باورهای پیشااسلامی گردآوری کرد .شعر عامیانهٔ فارسی، لالایی‌ها، جشن‌های کارناوالی و قصه‌های پریان تنها برخی از موضوعاتی بودند که او درباره‌شان نوشت .روماسکویچ که هم‌زمان با پژوهشگر بریتانیایی، دیوید لاکهارت رابرتسون لوریمر (۱۸۷۶–۱۹۶۲)، و پژوهشگر دانمارکی، آرتور کریستنسن (۱۸۷۵–۱۹۴۵)، به تحقیقات میدانی مشغول بود، حدود هفتاد قصهٔ عامیانه را گردآوری و طبقه‌بندی کرد و آن‌ها را در تک‌نگاری خود با عنوان قصه‌های عامیانهٔ فارسی به خوانندگان روسی معرفی کرد[۴۹].

یوری ن .مار از مارس ۱۹۲۵ تا سپتامبر ۱۹۲۶ به دستور آکادمی علوم به ایران اعزام شد تا ادبیات معاصر فارسی را مطالعه کند .او در این مدت اسناد و مواد پژوهشی متعددی دربارهٔ موضوعات گوناگون، از جمله فرهنگ عامه - به‌ویژه شعر و نمایش عامیانه -گردآوری کرد و بعدها آن‌ها را منتشر ساخت. اندکی پیش از مرگش در سال ۱۹۳۵، دولت ایران نشان افتخار علمی را به او اعطا کرد.

مسکو

از همان آغاز، مطالعات شرق‌شناسی در مسکو بر کاربرد عملی زبان‌های شرقی متمرکز بود. مؤسسهٔ لازارفِ زبان‌های شرقی، مهم‌ترین مرکز مطالعات شرق‌شناسی و ایران‌شناسی در مسکو به‌شمار می‌رفت. این مؤسسه در سال ۱۸۱۵ به ابتکار خانوادهٔ لازارف (لازاریان)، از اعضای جامعهٔ ارمنیِ مهاجر در روسیه، تأسیس شد .مؤسسه در ابتدا مدرسه‌ای متوسطه و خصوصی بود که هدف اصلی آن حمایت از کودکان ارمنی بود .با این‌حال، خیلی زود به یکی از مراکز

[۴۷] Ivanow, Neskol’ko obraztsov.

[۴۸] Ivanow, Vospominaniya; ibid, Fifty Years in the East.

[۴۹] Romaskevich, Persidskie narodnye skazki.

آموزشی شناخته‌شده برای تربیت کارمندان دولت و مترجمان روسی تبدیل شد؛ افرادی که به زبان‌های ارمنی، فارسی، عربی، ترکی و گرجی تسلط داشتند. در سال ۱۸۴۸، امپراتور روسیه، نیکلای اول، اساسنامهٔ بازنگری‌شدهٔ مؤسسه را تأیید کرد و جایگاه آموزشی آن را تا سطح دانشگاه ارتقا داد .پس از آن، نام و جایگاه آموزشی مؤسسه چندین بار تغییر کرد .در سال ۱۹۲۱، این مؤسسه در مؤسسهٔ تازه‌تأسیس مطالعات شرق‌شناسی مسکو ادغام شد. مؤسسهٔ اخیر نیز در سال ۱۹۵۴ در مؤسسهٔ دولتی روابط بین‌الملل مسکو (MGIMO) ادغام شد؛ نهادی که در سال ۱۹۴۴ تأسیس شده بود.

در میان استادان و دانش‌آموختگان این مؤسسه، ایران‌شناسان برجستهٔ بسیاری حضور داشتند؛ از جمله آغافانگل ی .کریمسکی[۵۰] (۱۸۷۱–۱۹۴۲)، بنیان‌گذار مطالعات شرق‌شناسی و ایران‌شناسی در اوکراین، شاگرد او، ولادیمیر ف. مینورسکی، دیپلمات و پژوهشگر نامدار روس، میرزا عبدالله غفاروف[۵۱]، مؤلف نخستین فرهنگ فارسی-روسی مبتنی بر منابع فارسی قرون وسطی و بسیاری دیگر از افراد.

تاریخ‌نگاری ایران‌شناسی در روسیه

بسیاری از ایران‌شناسان یادبودنامه‌هایی دربارهٔ همکاران فقید خود نوشته‌اند، به مناسبت سالگردها و دیگر رویدادهای یادبود، فهرست آثار آنان را گردآوری کرده‌اند و دربارهٔ تاریخ شاخه‌های گوناگون ایران‌شناسی معاصر پژوهش کرده‌اند. با این‌حال، شمار تاریخ‌نگاران واقعی مطالعات شرق‌شناسی در روسیه که زندگی خود را وقف پژوهش در آرشیوهای شوروی و روسیه کرده باشند، بسیار اندک است.

از جملهٔ این پژوهشگران می‌توان به دو محقق از تاشکند اشاره کرد :بوریس و .لونین[۵۲] (۱۹۰۶–۲۰۰۱) و شاگردش، والری آ .گِرمانوف[۵۳] (متولد ۱۹۵۰)، که دربارهٔ مطالعات آسیای مرکزی در اتحاد جماهیر شوروی سابق نوشته‌اند. همچنین دو پژوهشگر از سن‌پترزبورگ در این زمینه فعالیت داشته‌اند: آلا م .کولیکووا[۵۴] (متولد ۱۹۳۵)، که با استفاده از اسناد کمیاب آرشیوی،

---

۵۰ Agafangel E. Krymskii

۵۱ Mirza Abdulla Ghaffarov

۵۲ Boris V. Lunin

۵۳ Valery A. Germanov

۵۴ Alla M. Kulikova

مقالات متعددی در حوزهٔ تاریخ‌نگاری و فرهنگ‌نامهٔ شرح‌حال و آثار تألیف کرده است؛ و لاریسا ن .کارسکایا[۵۵] (۱۹۳۸–۲۰۰۳).

کارسکایا کتاب‌شناسی مشروح و گسترده‌ای با عنوان کتاب‌شناسی مشروح مقالات روسی در زمینهٔ مطالعات عربی، ایرانی و ترکی، از ۱۸۱۸ تا ۱۹۱۷: نشریات ادواری علمی تدوین کرد. این اثر ۷۴۷۴ عنوان را دربر می‌گیرد که یک‌سوم آن‌ها به حوزهٔ قومی-زبانی ایرانی مربوط می‌شود[۵۶]. سوفیا د. میلیباند (متولد ۱۹۲۲)، پژوهشگر مسکو، نیز فرهنگ دوجلدیِ فرهنگ‌نامهٔ شرح‌حال و آثار شرق‌شناسان روسیِ قرن بیستم و اوایل قرن بیست‌ویکم را تدوین کرده است[۵۷].

در پایان، باید تأکید کرد که این مقاله صرفاً به خاستگاه شاخه‌های اصلی ایران‌شناسی در روسیه می‌پردازد؛ شاخه‌هایی که پژوهشگران برجستهٔ آلمانی و روسیِ فعال در کازان، سن‌پترزبورگ و مسکو، در قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم، بنیان گذاشتند .متأسفانه، بسیاری از پژوهشگران روسیِ فعال در این دوره و جانشینان آنان در دوران شوروی، از محدودهٔ این بررسی کوتاه بیرون مانده‌اند؛ حتی چندین جلسه سخنرانی نیز برای پرداختن به تمامی آثار آنان کافی نخواهد بود . بااین‌حال، آثار تاریخ‌نگارانه‌ای که در این مقاله معرفی شدند، گزارشی مفصل از پژوهش‌های این محققان به دست می‌دهند.

---

[۵۵] Larisa N. Karskaya

[۵۶] Karskaya, Annotirovannaya bibliografiya, 198–379.

[۵۷] Miliband, Vostokovedy Rossii.

منابع

1. Abdullaeva, F. I. “Persian Manuscripts Collection of the St. Petersburg University: Gotwald’s Curse?” In Writings and Writing from Another World and Another Era. Investigations in Islamic Text and Script in Honour of Dr. Januarius Justus Witkam, edited by R. M. Kerr and T. Milo, 1–23. Cambridge: Archetype, 2011.

2. Freiman, A. A. Khorezmiiskii yazyk: materialy i issledovaniya [The Khwarizmian Language: Documents and Research]. Moscow: The USSR Academy of Sciences Press, 1951.

3. Ivanow, W. Fifty Years in the East. The Memoirs of Wladimir Ivanow. Edited with annotations by F. Daftary. London–New York: I.B. Tauris Publishers, 2015.

4. Ivanow, V. A. Neskol’ko obraztsov persidskoi narodnoi poezii [A Few Examples of Persian Folk Poetry]. Petrograd: The Typography of the Imperial Academy of Sciences, 1915. Offprint originally published in The Proceedings of the Eastern Branch of the Imperial Russian Archaeological Society (ZVORAO) XXIII (1915).

5. Ivanow, V. A. The Truth-Worshippers of Kurdistan. Ahl-i Haqq Texts. London: The Ismaili Society Series, 1953.

6. Ivanow, W. Vospominaniya o Vostoke 1918–1968 [The Memoirs of the East]. Edited with annotations by B. Norik. St. Petersburg: Contrast, 2015.

7. Karskaya, L. N. Annotirovannaya bibliografiya otechestvennykh rabot po arabistike, iranistike i tyurkologii 1818–1917 (Nauchnaya periodika) [Annotated Bibliography of Russian Works in Arabic, Iranian and Turkish Studies 1818–1917 (Academic Periodicals)]. Moscow: Vostochnaya Literatura, 2000.

8. Kazem-bek, Mirza A. K. Bab i babidy. Religiozno-politicheskie smuty v Persii v 1844–1852 godakh [The Bab and the Babis: Religious and Political Disturbances in Persia in 1844–1852]. St. Petersburg: V. N. Maikov Press, 1865.

9. Khismatulin, A. “Uchenie Ahl-i Haqq v issledovaniyakh V. Ivanova” [The Teachings of the Ahl-i Haqq in the Studies of Wladimir Ivanow]. In Russkie uchenye ob ismailizme [Russian Scholars on Ismailism], 45–52. St. Petersburg: The St. Petersburg State University Faculty of Philology; Nestor-Historia, 2014.

10. Kulikova, A. M. Rossiiskoe vostokovedenie XIX veka v litsakh [The Faces of Russian Oriental Studies in the Nineteenth Century]. St. Petersburg: Peterburgskoe Vostokovedenie, 2001.

11. Miliband, S. D. Vostokovedy Rossii XX–nachalo XXI v.: biobibliograficheskii slovar' [Russian Scholars of Oriental Studies in the Twentieth and Early Twenty-First Century: A Bio-Bibliographic Dictionary]. 2 vols. Moscow: Vostochnaya Literatura, 2008.

12. Nazaryants, S. I. Abul-Qasem Ferdawsi Tusskii, tvorets Knigi tsarei, izvestnoi pod nazvaniem Shah-name [Abul-Qasem Ferdowsi Tusi, Creator of The Book of Kings, Known as Shahnameh]. Vol. I. Kazan, 1849; Vol. II. Moscow: The University Press, 1851.

13. Nazaryants, S. I. Rozovyi kustarnik sheikha Musleheddina Saadi Shirazskogo, slavnyi pod nazvaniem Gulistana [The Rose Garden by Musleheddin Saadi Shirazi, Known as Golestan]. Moscow: The Lazarev Institute of Oriental Languages Press, 1857.

14. Prozorov, S. M., ed. Islam na territorii byvshei Rossiiskoi imperii. Entsiklopedicheskii slovar' [Islam in the Territories of the Former Russian Empire: Encyclopedic Lexicon]. Vol. I. Moscow: Vostochnaya Literatura, 2006.

15. Rezvan, E. A. Koran i ego mir [The Qur'an and Its World]. St. Petersburg: Peterburgskoe Vostokovedenie, 2001.

16. Romaskevich, A. A. Persidskie narodnye skazki [Persian Folk Fairytales]. Leningrad: Academia, 1934.

17. Salemann, C. G. Legenda pro Hakim-Ata [The Legend of Hakim-Ata]. The Tidings of the Imperial Academy of Sciences IX, series V (1898): 105–150.

18. Tagirdzhanov, A. T. Opisanie tadzhiskikh i persidkikh rukopisei vostochnogo otdela biblioteki LGU [Description of the Tajik and Persian Manuscripts in the Eastern Department of the LGU Library]. Leningrad: Leningrad University Press, 1962.

19. Zhokovskii, V. A. 'Ali Auhadeddin Enveri, Materialy dlya ego biografii i kharakteristiki ['Ali Auhaheddin Enveri: Documents for His Biography and Features]. St. Petersburg: The Imperial Academy of Sciences Press, 1883.

20. Zhokovskii, V. A. Chelovek i poznanie u persidskikh mistikov [Man and Cognition among Persian Mystics]. St. Petersburg: The Typo-Lithography by B. M. Wolf, 1895.

21. Zhokovskii, V. A. Obraztsy persidskogo narodnogo tvorchestva [Examples of Persian Folklore]. St. Petersburg: I. Boraganskiy Press, 1902.

22. Ziethen, G. “Christian Martin Joachim v. Fraehn (Rostock 1782–St. Petersburg 1851)—His Life as Documented by the Records from German Archives.” Manuscripta Orientalia 10, no. 2 (2004): 57–70.